

دوست دارم. شعر مثل دانه است. کاشته شده در نهاد شاعر. منتها اگر نور و آب و خاک پاکیزه نداشته باشد در خوش بینانه ترین حالت، تنها دانه‌ای در بطن می ماند. همه‌ی استعدادها ذاتی هم پرورش می‌خواهند. مطمئناً فرقی هست بین کوشش و جوشش

● **جایگاه بانوان در بین شاعران و نویسندگان را چطور می‌بینید؟**

جایگاه بانوان! چه خوب که این سؤال پرسیده شد. جایگاه بانوان از نظر کیفیت کار و روح سیال شاعرانه، بالاست. اما از نظر دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن و در اختیار اساتید و منتقدین قرار گرفتن برای بررسی دقیق تر، خیلی راه‌های نرفته در پیش است. موردی هم که فکر می‌کنم با سؤال شما فرصت مناسبی برای عنوان کردنش پیش آمده این است که بانوان، بیشتر از اینکه طبق حافظه یا پشتوانه‌ی تاریخی، با دست مردان عقب نگه‌داشته شده باشند، با رفتارهای زنانه‌ی هم‌جنسانشان از قافله عقب مانده‌اند. انگار مردها چند سالی است که ما را باور کرده‌اند اما خودمان هنوز خودمان را باور نکرده‌ایم.

● **چه شد که تصمیم به چاپ آثارتان گرفتید؟**

واقعیت این است که هیچ وقت در فکر چاپ و نشر شعرهایم نبودم. فضای شعر را دنبال می‌کردم اما به این قطعیت نرسیده بودم که همه را به صورت یک مجموعه عرضه کنم. اولین جرقه‌ها از سوی دوست خوبم خانم پویک دهشهری بود. بعدتر بیشتر پافشاری کرد و بیشتر و بیشتر و من مجاب شدم که می‌توان شعرها را به دست ناشر سپرد. آقای امیرحسین والا هم در گزینش شعرها و در انتخاب نام مجموعه بسیار همراه و همدل بودند که صمیمانه از ایشان سیاسی‌گذاری می‌کنم

● **آیا تا به حال در جشنواره‌ای شرکت کرده‌اید؟**

بله در چند جشنواره شرکت کرده‌ام و همین چند وقت پیش جشنواره شعر جم و آخری هم جشنواره شعرامی که البته در هر دو هم به خاطر عدم حضور در اختتامیه از لیست برگزیدگان کنار گذاشته شدم.

گویا قانون نانوشته و غیرمنصفانه‌ای در شیوه‌ی برپایی و اجرایی جشنواره‌ها هست که من اطلاع دقیقی از دلیل وجودش ندارم!

● **آیا تجربه و حس مادر شدن در اشعار شما دیده می‌شود؟**

من به مادرانگی توجه دارم. به زایش و به رویش. نه تنها برآمده از انسان که حتی در مادر زمین. کهن‌الگوی اساطیری. در درخت‌ها و در خیلی چیزهای دیگر. مولد بودن خیلی شگفت‌انگیز است! شاعر، شعراهیش را می‌آفریند و به دنیا می‌آورد. مادرانگی قطعاً در ریشه‌های هر شعری پنهان است

● **با توجه به اینکه معلم هستید محیط مدرسه و دانش آموزان چه تأثیری در شعرهای شما گذاشته است؟**

ردپای این فضا در شعرهای من خیلی واضح است. تخته و بچه‌ها و میز و نیمکت ... انگار همه می‌شوند ابزار سرایش. فقط گل و پرند و آب و آسمان و ... نیست. شعر در هرجایی جاری می‌شود و در هرجایی شکل می‌گیرد و قطعاً رنگ و قالب همان جایی هبوطش را می‌گیرد. انگار از همان جا آمده و باز همان جا زنده می‌شود.

● **باز هم کتابی در دست چاپ دارید؟**

بله قطعاً. هم در حوزه‌ی کودک و هم در حوزه‌ی بزرگسال آثاری در دست چاپ هست که تجربه‌های جدیدی هستند و امیدوارم بتوانند خود بیوبند نه آنکه من بگویم

● **و حرف آخر**

آرزوی موفقیت و بهروزی و شادی و سلامتی برای همه و در یک کلمه، عاقبت‌به‌خیری.



**نخستین مجموعه شعر مستقل مریم سیدافقهی**

**هنوز خیلی جوانم!**

**واقعیت این است که هیچ وقت در فکر چاپ و نشر شعرهایم نبودم. فضای شعر را دنبال می‌کردم اما به این قطعیت نرسیده بودم که همه را به صورت یک مجموعه عرضه کنم. اولین جرقه‌ها از سوی دوست خوبم خانم پویک دهشهری بود.**

**گویا قانون نانوشته و غیرمنصفانه‌ای در شیوه‌ی برپایی و اجرایی جشنواره‌ها هست که من اطلاع دقیقی از دلیل وجودش ندارم!**

**آیا تجربه و حس مادر شدن در اشعار شما دیده می‌شود؟**

**من به مادرانگی توجه دارم. به زایش و به رویش. نه تنها برآمده از انسان که حتی در مادر زمین. کهن‌الگوی اساطیری. در درخت‌ها و در خیلی چیزهای دیگر. مولد بودن خیلی شگفت‌انگیز است! شاعر، شعراهیش را می‌آفریند و به دنیا می‌آورد. مادرانگی قطعاً در ریشه‌های هر شعری پنهان است**

**با توجه به اینکه معلم هستید محیط مدرسه و دانش آموزان چه تأثیری در شعرهای شما گذاشته است؟**

**ردپای این فضا در شعرهای من خیلی واضح است. تخته و بچه‌ها و میز و نیمکت ... انگار همه می‌شوند ابزار سرایش. فقط گل و پرند و آب و آسمان و ... نیست. شعر در هرجایی جاری می‌شود و در هرجایی شکل می‌گیرد و قطعاً رنگ و قالب همان جایی هبوطش را می‌گیرد. انگار از همان جا آمده و باز همان جا زنده می‌شود.**

**باز هم کتابی در دست چاپ دارید؟**

**بله قطعاً. هم در حوزه‌ی کودک و هم در حوزه‌ی بزرگسال آثاری در دست چاپ هست که تجربه‌های جدیدی هستند و امیدوارم بتوانند خود بیوبند نه آنکه من بگویم**

**و حرف آخر**

**آرزوی موفقیت و بهروزی و شادی و سلامتی برای همه و در یک کلمه، عاقبت‌به‌خیری.**

ادبیات فارسی خواندم. علاقه شما به ادبیات و شعر از چه زمانی آغاز شد

واقعیت این است که مادر من هم در رشته‌ی ادبیات تحصیل کرده است. پدرم هم نقاشی می‌کرد و به ظرافت‌های هر چیز توجه نشان می‌داد. شعر رو به صورت کلمه و در تبلور کلامی از زمانی که توانستم به حرف زدن بیافتم و توانایی حفظ کردن هم داشته باشم، از صحبت‌های عادی جدا کردم و تفاوتش را فهمیدم و بعد برای خودم مشخص شد که این چیزی است که به آن علاقه‌مندم.

● **نظر خانواده در این باره چه بود؟**

تشویق و تشویق و تشویق. البته برای تحصیل و انتخاب رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی در دبیرستان چالش‌هایی داشتم.

تشویق و تشویق و تشویق. البته برای تحصیل و انتخاب رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی در دبیرستان چالش‌هایی داشتم.

● **عنوان اولین کتابتان چیست و توسط چه ناشری منتشر شد؟**

راستش اگر بخواهیم کتاب رو طبق تعریف یک مجموعه مدون با تیراژ در نظر بگیریم، اولین باری که شعری از من در کتابی چاپ شد، سال هفتادوشش بود در مجموعه‌ی دانش‌آموزی به نام پَئمار. بعد از آن کشف کودکی‌اسرار به چاپ رسید یا یک‌فاصله‌ی زمانی بسیار طولانی. کاری برای کودک و در دایره‌ی فلسفه برای کودکان. و بعد از چاپ و انتشار جلدی بعدی کتاب‌های کودک، اردیبهشت‌ماه امسال یعنی سال نودوهشت اولین مجموعه‌ی شعر سپیدم منتشر شد. در صد و دوازده صفحه و هفتادونه شعر توسط

گویا مادر و پدرم ترجیح می‌دادند پزشکی بشوم که شاعر هم هست. اما خب پافشاری من کار خودش را کرد. من در دبیرستان ادبیات و علوم انسانی و در مقطع لیسانس علوم تربیتی و در مقطع فوق‌لیسانس زبان و



تشکیل می‌شود. یک اتفاق باعث تشکیل چند دایره می‌شود و همین‌طور بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود تا می‌رسد به محو شدن. شعر هم همین‌طور است. متصل و جدا. شاید برای همین است که سهل‌متن را

گویا مادر و پدرم ترجیح می‌دادند پزشکی بشوم که شاعر هم هست. اما خب پافشاری من کار خودش را کرد. من در دبیرستان ادبیات و علوم انسانی و در مقطع لیسانس علوم تربیتی و در مقطع فوق‌لیسانس زبان و